

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲

صص ۳۰۱-۳۲۵

بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از اعمال حاکمیت نیروهای مسلح در حقوق ایران و ترکیه^۱

مظفر باشکوه^۲، کریم نوروزی قره آغاچ^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: نیروهای مسلح به‌عنوان بازوهای اجرایی کشور در تأمین امنیت داخلی و خارجی مشغول انجام وظایف تعیین شده خود هستند. تخطی از این وظایف مسئولیت کیفری و مدنی برای آنان به همراه دارد. تحقیق حاضر با رویکرد تطبیقی، مسئولیت مدنی نیروهای مسلح در مقام اعمال حاکمیت را در نظام حقوقی ایران و ترکیه بررسی می‌کند.

روش: پژوهش حاضر به صورت روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که نیروهای مسلح در اعمال حاکمیت، از مصونیت نسبی برخوردارند، زیرا دامنه و نتایج حاصل از اعمال حاکمیتی نیروهای مسلح، فراتر از نیروهای مسلح و با امنیت و نظم عمومی جامعه گره خورده و براساس قوانین موضوعه، نیروهای مسلح در موارد اعمال حاکمیت، در صورت رعایت قوانین و مقررات مربوطه و عدم قصور و سهل‌انگاری و ورود خسارت، مسئولیت ندارند. با وجود این که قوانین و مقررات مرتبط با مسئولیت نیروهای مسلح، در مواردی از قواعد مسئولیت مدنی منصرف شده، لیکن قاطبه قوانین موجود بر جبران خسارات وارده تأکید دارند. در قوانین و مقررات کشور ترکیه نیز با تکیه بر قواعد عمومی مسئولیت مدنی، موادی از قانون اساسی و سایر قوانین آن کشور، نیروهای مسلح را در مقام اعمال حاکمیت در صورت تطبیق اقدامات آنان با قوانین و مقررات، مصون از مسئولیت کیفری و مدنی دانسته و در صورت ورود خسارت ناروا و غیر قانونی به شهروندان، دولت را مکلف به جبران خسارت وارده دانسته است.

نتایج: مهم‌ترین چالش موجود در این زمینه در ایران، نبود قوانین مستقل و اختصاصی برای نیروهای مسلح با وجود گستردگی مأموریت‌های آنان در راستای اعمال حاکمیت است. به نحوی که اگر مقنن ایران بتواند همانند مقنن ترکیه، شرایط خاص نیروهای مسلح به‌خصوص مأموریت‌های آنان در بکارگیری سلاح و... را از قوانین عام مسئولیت تفکیک کرده و تابع ضوابط جدیدی قرار دهد، باعث افزایش حمایت از نیروهای مسلح در مقام اعمال حاکمیت و افزایش سرعت و دقت رسیدگی به این پرونده‌ها توسط دستگاه قضایی خواهد شد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، اعمال حاکمیت، نیروی‌های مسلح، جبران خسارت، نظام حقوقی ترکیه

۱. برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل، ایران

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل (نویسنده مسئول)، رایانامه:

m.bashokouh39@gmail.com

۳. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل؛ رایانامه: garehaghaj@gmail.com

مقدمه

یکی از شاخص‌های مؤثر در بقاء و دوام هر کشوری، وجود نیروهای مسلح مقتدر، پاسخ‌گو و قانون‌مدار است. حسن انجام وظایف نیروهای مسلح، مقتضی آن است که ابعاد مختلف مأموریت‌ها و شرح وظایف این نهاد حیاتی و تأثیرگذار، خاصه ابعاد حقوقی آن به دقت تبیین شود. (شمس، ۱۳۹۱، ۹۱). مسئله مهمی که در این میان شایان توجه جدی است این‌که با توجه به ماهیت قهری و مقتدرانه وظایف نیروهای مسلح و تنوع و گستردگی مأموریت آنان که بعضاً موجب ایراد خسارت و صدمه به جان یا مال شهروندان بی‌گناه می‌شود، این سوال را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا اعضای نیروهای مسلح در قبال خسارات مذکور، قانوناً مسئول بوده و باید در صدد جبران آن برآیند یا خیر؟ حدود و ثغور مسئولیت مدنی نیروهای مسلح تا چه میزان است؟ بررسی موارد یادشده و سنجش آن با گذشته به‌خوبی گویای این است که گسترش قلمرو پاسخ‌گویی دولت و سازمان‌های وابسته، خاصه نیروهای مسلح و پذیرش مسئولیت مدنی آنان روند صعودی و مثبت در جهت حفظ حقوق شهروندان داشته است. چرا که در صورت رعایت نشدن حقوق افراد توسط نیروهای مسلح، نظم و انضباط معنایی نخواهد داشت و نیروهای مسلح به‌عنوان نیروهایی ناکارآمد، غیر تخصصی و قانون‌گریز تلقی شده و موجبات ایجاد جو بدبینی نسبت به آنان و مالاً حاکمیت فراهم خواهد شد. (خوئینی، ۱۳۹۴، ۱۵۱).

نخستین بار تصویب ماده واحده تعیین مرجع دعاوی بین افراد و ملت (مصوب ۱۳۰۷)، تقسیم اعمال دولت، خاصه نیروهای مسلح به حاکمیت و تصدی به‌طور ضمنی شناسایی شده و با وجود قوانین متفاوت و پراکنده، با نگرش به ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری که ضمن ارائه تعریفی منسجم از امور حاکمیتی^۱ به تبیین مصادیقی از قبیل

۱. از نظر قانون مدیریت خدمات کشوری، اعمال حاکمیتی اعمالی هستند که تحقق آنها را موجب اقتدار و حاکمیت کشور و شمول منافع آنها را بدون محدودیت برای تمام اقشار اجتماع دانسته است.

سیاست گذاری، برنامه ریزی و نظارت در بخش های مختلف اجتماعی و نیز حفظ تمامیت ارضی کشور و ایجاد آمادگی دفاعی و دفاع ملی و... پرداخته است. ضرورت تبیین و تعیین مبنای مسئولیت یا عدم مسئولیت نیروهای مسلح در موارد ورود خسارت ناشی از انجام وظایف آنها که بخشی از بازوهای اجرایی حکومت در اعمال حاکمیت هستند، زمانی اهمیت بیشتری می یابد که در بعضی موارد تشخیص این که رفتار منجر به ورود خسارت و ضرر در مقام اعمال حاکمیت بوده است یا غیر آن، مشکل می نماید. (هاشمی، ۱۴۰۰، ۲۴۱).

با وجود تصویب ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، آنچه مسلم و مبرهن است هنوز مرزهای اعمال حاکمیتی و تصدی گری مأموران دولتی در قوانین کشور ما به درستی تبیین نشده و ضابطه و معیار مشخصی برای تمیز و تشخیص اعمال حاکمیتی و تصدی گری وجود نداشته و حتی محاکم قضایی نیز گاهی در مواجهه با مصادیق اعمال حاکمیتی دچار تردید می باشند. (قاسم زاده، ۱۳۸۸، ۲۲۳). بنابراین در این تحقیق ابتدا تصویری کلی از مسئولیت نیروهای مسلح ایران در موارد ورود خسارت در انجام مأموریت های حاکمیتی ارائه و در مرحله بعدی با توجه به اشتراکات فرهنگی و دینی و جمعیتی بین ایران و کشور ترکیه، در راستای تبیین دقیق جایگاه جبران خسارت در اعمال حاکمیتی نیروهای مسلح، بررسی تطبیقی بین رویکردهای نظام های حقوقی ایران و ترکیه به موضوع مذکور انجام خواهد شد. بنابراین سوالات اصلی این تحقیق عبارت است از:

- چه تفاوت هایی بین مسئولیت مدنی نیروهای مسلح در انجام مأموریت های مرتبط با اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی گری وجود دارد؟
- جایگاه قانونی مسئولیت مدنی نیروهای مسلح در انجام مأموریت های مرتبط با اعمال حاکمیتی در ایران چگونه بوده؟ و در چه مواردی این مسئولیت تحقق یافته و نحوه جبران آن چگونه ترسیم شده است؟

– نقاط قوت و ضعف رویه قانونی و قضایی ایران نسبت به نظام حقوقی ترکیه در خصوص مسئولیت مدنی نیروهای مسلح در انجام مأموریت‌های مرتبط با اعمال حاکمیتی چیست؟

– چه راهکارهای تقنینی و قضایی در راستای رسیدن به جایگاه مطلوب قانونی و قضایی در این زمینه وجود دارد؟

پیشینه

هاشمی، سید محمد؛ عباسلو، بختیار؛ سوادکوهی، سام (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی فعل زیانبار پلیس در تحقق مسئولیت مدنی پلیس ناشی از نقض حقوق شهروندی در حقوق ایران و کامن‌لا» به موضوع مسئولیت مدنی پلیس در انجام اعمال حاکمیتی به عنوان یکی از نیروهای مسلح در ایران پرداخته و پس از مشخص نمودن حدود و صغور آن، مقایسه‌ای تطبیقی با کشورهای دارای نظام حقوقی کامن‌لا به خصوص انگلستان و آمریکا انجام داده است.

جلالیان، عسگر (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال حاکمیتی نیروهای مسلح و اعمال نظامی»، به بررسی یکی از ابعاد مسئولیت مدنی دولت یعنی مسئولیت در قبال اعمال حاکمیتی نیروهای مسلح را از جنبه‌های مختلف بررسی کرده و در خصوص نحوه جبران خسارت پیشنهادات و راهکارهای عملی ارائه کرده است.

فلاح‌زاده، علی محمد؛ حسن‌زاده، سیدمحمد تقی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «قانون اساسی ترکیه بعد از رفراندوم ۲۰۱۷»، به بررسی تغییرات قانون اساسی کشور ترکیه پس از سال ۲۰۱۷ پرداخته و یکی از بخش‌هایی که مورد توجه قرار داده جایگاه نیروهای مسلح در این کشور و حمایت‌های دولت از آنها در مقام اعمال حاکمیت می‌باشد و در نهایت به این نتیجه رسیده که از دیدگاه قانونگذار ترکیه، نیروهای مسلح به عنوان یکی از ارکان کشور ترکیه در مقام اعمال حاکمیت از حمایت کامل دولت به خصوص در زمینه مسئولیت مدنی برخوردار هستند به نحوی که بتوانند بدون هیچ گونه مانعی وظایف خود را به صورت صحیح انجام دهند.

روش

با توجه به این که این تحقیق از نوع بنیادی بوده و به صورت کیفی به روش توصیفی-تحلیلی انجام و داده‌های مورد نیاز از طریق فیش برداری و رجوع به منابع کتابخانه‌ای و ترجمه بخشی از قوانین و مقررات کشور ترکیه به فارسی تهیه و انجام شده است. محقق در ابتدا جایگاه مسئولیت مدنی ناشی از اعمال حاکمیت نیروهای مسلح در قوانین و مقررات ایران را مورد بررسی قرار داده و سپس با ترجمه بخشی از قوانین و مقررات مربوط به کشور ترکیه و همچنین فراتحلیل مطالعات قبلی در حوزه قوانین و مقررات مرتبط با نیروهای مسلح ترکیه، شمایی کلی از وضعیت مسئولیت مدنی نیروهای مسلح آن کشور در مأموریت‌های مرتبط با اعمال حاکمیت را بررسی می‌نماید.

مبانی نظری

مفهوم مسئولیت مدنی نیروهای مسلح در ایران

در نیروهای مسلح، مسئولیت مدنی صرفاً ناشی از افعال اشخاص بوده که شامل مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی (همان کارکنان نیروهای مسلح) و مسئولیت ناشی از افعال اشخاص حقوقی می‌باشد که در واقع مسئولیت دولت یا سازمان نیروهای مسلح است. بدیهی است که نیروهای مسلح به تبع اختیارات و شرح وظایفی که در ساختار جامعه بر عهده دارند، در قبال اعمال عمومی، لشکری و اداری خود در جامعه مسئول خواهند بود. (جلالیان، ۱۳۹۷، ۱۴۶). با توجه به حضور نیروهای مسلح در بطن جامعه و اقدامات و طبع قهری و مقتدرانه آنان با توجه به رسالت خطیر و عظیم این نهاد مردمی در حفظ و استقرار امنیت و دفاع از کیان و ارزش‌های انقلاب اسلامی و احتمال ایجاد ضرر و خسارات مادی و معنوی به اموال و انفس شهروندان به جهت خطا، اشتباه و تقصیر سازمانی کارکنان و حدود و ثغور مسئولیت مدنی آنان در مقام اعمال حاکمیت، باید مشخص شود، منظور از مسئولیت مدنی نیروهای مسلح در مقام اعمال حاکمیت چیست؟ و در صورت ورود ضرر و خسارات از ناحیه نیروهای مسلح در مقام اعمال حاکمیت، این مسئولیت تحت چه شرایطی تحقق یافته و به چه نحوی جبران می‌شود؟

برای پاسخ به این سوالات و درک دقیق هر یک از مفاهیم عنوان شده در این تحقیق لازم است مفاهیم خیلی مهم به صورت موردی تعریف گردند.

مسئولیت مدنی

مفهوم مسئولیت مدنی بیانگر مجموعه قواعدی است که وارد کننده زیان را به جبران خسارت زیان دیده ملزم می‌سازد، به بیانی ساده‌تر، در هر مورد که شخص مذکور ناگزیر از جبران خسارت وارده از ناحیه وی باشد، می‌گویند در برابر وی مسئولیت مدنی دارد. این مسئولیت زمانی مصداق پیدا می‌کند که کسی بدون مجوز قانونی به حق دیگری لطمه وارد سازد و در اثر آن زبانی به او وارد آورد. (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ۴۴۳). برخی از حقوقدانان نیز مسئولیت مدنی را تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است، خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود او باشد یا ناشی از فعالیت او، تعبیر نموده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۵۱۳)، عده‌ای نیز بر این باورند که تعهد و الزامی که شخص به جبران زیان وارد شده به دیگری دارد، اعم از این که زیان مذکور در اثر عمل شخص مسئول یا عمل اشخاص وابسته به او و یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد. (حسینی نژاد، ۱۳۷۷، ۲۳۳).

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

مقصود از نیروهای مسلح افرادی هستند که تحت نهاد و سازمان مشخص و به موجب قانون و مقررات سازمان‌دهی شده و برای تحقق اهداف خاصی که در قوانین و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های سازمانی پیش‌بینی شده، به خدمت گرفته می‌شوند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعریف خاصی از نیروهای مسلح ارائه نکرده، ولی در اصولی از جمله اصول ۱۴۳ و ۱۵۰ به تبیین مصادیقی از نیروهای مسلح پرداخته است. (بهرامی نژاد، ۱۳۹۵، ۲۱۱). ماده یک قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح، ارتش، سپاه پاسداران، وزارت دفاع، کارکنان مشمول قانون فرماندهی انتظامی و سازمان‌های وابسته را از تابعین نیروهای مسلح برشمرده است.

ارکان و شرایط مسئولیت مدنی نیروهای مسلح

برای تحقق مسئولیت مدنی لزوماً باید شرایط سه‌گانه زیر احراز و اثبات شود. (امامی، ۱۳۷۷، ۵۷۴). مسئولیت رکن متغیری نیز دارد که تقصیر است. بحث تقصیر در بین اصول کلی مسئولیت مدنی اهمیت دو چندان دارد، زیرا هم مبنای مسئولیت است و هم در اثبات رابطه سببیت نقش اساسی دارد. (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸، ۷۲).

ورود ضرر یا خسارت

هدف از قواعد مسئولیت مدنی، جبران ضرر است، به بیان دیگر باید ضرری به بار آید تا برای جبران آن مسئولیت ایجاد شود، پس باید وجود ضرر را رکن اصلی مسئولیت مدنی شمرد. با مذاقه در مواد ۲۰۱ و ۲۰۲ قانون مسئولیت مدنی هر جا که نفعی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت عواطف و حیثیت شخصی لطمه‌ای وارد آید، می‌گویند ضرری به بار آمده است. بی‌تردید وجود ضرر نه تنها رکن اصلی مسئولیت مدنی است که مبنای حق برای زیان دیده نیز می‌باشد. (بهرامی، ۱۳۸۲، ۲۴). در ماده ۴۹ قانون تعهدات ترکیه که همانند قوانین ایران شرایط مسئولیت مدنی را بیان کرده، بر ضرورت احراز ضرر و خسارات وارده ناشی از فعل غیر قانونی و قصور اشخاص و تکلیف به جبران آن تأکید شده است. (یزدانیان، ۱۳۹۴، ۵۱۰).

فعل زیانبار و مصادیق آن در نیروهای مسلح

رکن دیگر مسئولیت مدنی ارتکاب فعل زیانبار است، این فعل باید در نظر اجتماع ناهنجار باشد و نیز در قانون برای آن مجوزی قرار داده نشده باشد. در نیروهای مسلح فعل زیانبار دارای مصادیق زیر است:

الف: اگر فعل ارتكابی از سوی مأمورین نیروهای مسلح بی‌واسطه موجب حادثه زیانبار گردد، در صورت احراز تقصیر، مأمور نیروهای مسلح به‌عنوان مباشر مقصر در مقابل زیان‌دیده مسئول خواهد بود.

ب: در صورتی که فعل منظور مستقیماً موجب حادثه زیانبار شده ولی احراز تقصیر مواجه با تردید باشد، بر اساس حکم خاص مقرر در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت بر عهده دولت (نیروهای مسلح) خواهد بود.

ج: در صورت ایجاد خسارات ناشی از فعل ارتكابی با واسطه از طرف کارکنان نیروهای مسلح در صورت غیرمجاز بودن فعل منظور و یا احراز تقصیر از ناحیه آنان، مأمور مربوطه مسئول جبران خسارات تلقی خواهد شد و در صورت عدم احراز تقصیر، مبنای مسئولیت بر اساس قواعد تسبیب بوده و شرط لازم در تسبیب، تقصیر است که در این مورد، به علت عدم وجود تقصیر، عهده‌دار مسئولیت نخواهد بود. (هاشمی، ۱۳۹۵، ۱۴).

رابطه سببیت بین فعل ارتكابی و ضرر ناشی از آن

برای تحقق مسئولیت مدنی تنها وجود خسارت و تقصیر یا فعل زیانبار کافی نیست، بلکه باید رابطه سببیت بین خسارت وارده و تقصیر یا فعل زیانبار وجود داشته باشد. زیان‌دیده برای مطالبه خسارت باید اثبات کند که رابطه سببیت بین خسارت وارده و عمل خوانده دعوی وجود داشته است، از طرفی خوانده که زیان، به ظاهر ناشی از عمل او است می‌تواند ثابت کند که یک علت خارجی که مربوط به او نیست، باعث ایراد خسارت شده است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۴۳۵).

مبانی نظری مسئولیت مدنی نیروهای مسلح در ایران

با توجه به اینکه براساس آموزه‌های حقوقی در حوزه مسئولیت مدنی، دو نظریه به‌عنوان نظریه‌های اصلی در این خصوص شناخته می‌شوند جایگاه دو نظریه مذکور در نیروهای مسلح به صورت مختصر بررسی می‌شود.

نظریه تقصیر

بر اساس این نظریه شخصی که در بروز حادثه زیانبار مقصر شناخته می‌شود، باید خسارت وارده را جبران کند. ماده ۹۵۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: تقصیر اعم است از تعدی و تفریط. تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف تقصیر بیان داشته: «تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه و غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها حسب مورد از مصادیق بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است.» برای تحمیل بار مسئولیت، اثبات تقصیر در مسئولیت‌های قراردادی، مدعی زیان‌دیده بی‌نیاز از اقامه دلیل است و از این حیث تکلیفی ندارد، کافی است

نقض قرارداد را ثابت کند و تخلف از انجام تعهد کافی برای مسئول شناختن متعهد است، لیکن در مسئولیت با ضمان قهری (مسئولیت مدنی) مدعی زیان دیده باید تقصیر مقصر را اثبات نماید. البته تقصیری در نیروهای مسلح قابل پذیرش است که از حدود رفتار متعارف یک نیروی مسلح خارج باشد و برای احراز تقصیر باید به عرف مراجعه کرد چرا که عرف اجتماع، رفتار نیروهای مسلح را که مطابق قانون نباشد، نمی پذیرد. (هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ۱۴۵). در قوانین خاص نیروهای مسلح نیز به طور ضمنی وجود تقصیر پذیرفته شده، لیکن به طور صریح معین نگردیده که آیا تقصیر باید بر اساس ملاک متخصصین احراز شود یا بر اساس ملاک عرف و در این مورد حکم قاطعی از نظر قوانین نیروهای مسلح وجود ندارد. (جلالیان، ۱۳۹۷، ۲۱۱).

نظریه خطر

مطابق این نظریه، هر شخص با اقدام خویش محیط خطری را ایجاد کند و این امر سبب ورود زیان به دیگری شود، باید جبران خسارت کند، لیکن مبنای این نظریه تقصیر نیست، بلکه اقدام فرد در ایجاد وضعیت و موقعیت مخاطره آمیز است. افراد ممکن است به فعالیتی پردازند که هیچ گونه ممنوعیتی برای این رفتار نداشته و مرتکب هیچ گونه خطا و تقصیر و گناهی نشده اند بلکه این رفتار وی به نحوی موجبات ورود ضرر و خسارات به دیگری را فراهم کرده باشد، در این فرض نه مرتکب، رفتار مخاطره آمیز تقصیر داشته و نه زیان دیده مرتکب گناهی شده است، لیکن انصاف و عدالت اقتضا می نماید این خسارات باید به نحوی جبران گردد و از این رهگذر شخصی که موجب محیط خطر بوده، بر اساس عدالت، مسئول جبران ضرر شناخته می شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۳۴۲). در خصوص اجرای قواعد مسئولیت مدنی برای نیروهای مسلح باید گفت که نمی توان نظریه خطر را در مورد آنان چندان موجه دانست، چرا که این نظریه با توجه به رسالت نیروهای مسلح و نوع مأموریت قهری و خطر آفرین آنان، در مواردی با مشکلاتی مواجه بوده و از طرفی به جهت این که مسئولیت و ضمان متخصصین اکثراً مبتنی بر تقصیر بوده، معمولاً نظریه خطر در چنین مواردی جایگاهی ندارد، چرا که:

اولاً: نیروهای مسلح از طرف جامعه وظایفی دارند که باید به انجام برسانند و نفع شخصی یا سازمانی که برای آنان در انجام این رسالت قابل تصور نیست. از طرفی وضعیت نیروهای مسلح بسیار حساس بوده و در صورتی که برای آنان مسئولیتی بدون نیاز به اثبات تقصیر قائل شویم و آنان در حوزه مأموریت ذاتی خویش از این که در برابر هر عملی حتی با رعایت نظامات قانونی مسئول قلمداد شوند، بیم داشته باشند، ممکن است چنین تصویری لطمات و صدمات جبران‌ناپذیری در مباحث امنیتی به دنبال داشته باشد، به عنوان مثال عینی هیچ مأمور مسلح عاقلی در مواجهه با مأموریت‌های خطر آفرین دست به اسحه نخواهد برد و انجام مأموریت‌های ذاتی نیروهای مسلح با خطر بالای مسئولیت‌پذیری آنان با مشکل مواجه خواهد ساخت.

ثانیاً: در مورد اثبات مسئولیت ضرورتاً باید تصریح قانونی وجود داشته باشد، لذا بدون آنکه قانونگذار به عنوان مرجع تعیین‌کننده مسئولیت قانونی در این زمینه حکمی داشته باشد، نمی‌توان نیروهای مسلح را با نگرش صرف ایجاد خطر، مجبور به تحمیل مسئولیت نمود. (عبداللهی، ۱۳۹۸، ۲۶۶).

یافته‌ها

با توجه به این که این پژوهش بر مبنای تطبیق مسئولیت مدنی نیروهای مسلح ایران در مقام اعمال حاکمیت با نیروهای مسلح کشور ترکیه بوده و در خصوص مسئولیت مدنی نیروهای مسلح در ایران سخن گفته شده است، بنابراین تأکید اصلی یافته‌های تحقیق بر تبیین این مسئولیت در کشور ترکیه متمرکز می‌شود تا غنای پژوهش از جهت تطبیقی بودن آن کامل و جامع باشد.

مفهوم اعمال حاکمیت و تصدی در مأموریت‌ها و شرح وظایف نیروهای مسلح

مسئولیت مدنی گرچه دارای سابقه طولانی در حقوق خصوصی بوده، اما سابقه ظهور و پذیرش آن برای اشخاص حقوقی عمومی به کمتر از دو قرن می‌رسد. تا مدت‌ها نظریه غالب این بود که دولت چون منشاء الهی دارد و یا ناشی از اقتدار عمومی است، در مقابل اتباع خود هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۶۵، ۱۴۳). عده‌ای از

حقوق دانان بر همین مبنا و این که اقتدار دولت‌ها در گرو اقتدار نیروهای مسلح بوده و به لحاظ رسالت خطیر این نیروی مردمی در حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و حفظ دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران و ضرورت اقدامات و طبع قهری و مقتدرانه نیروهای مسلح و این که اقدامات آنان با هدف تأمین منافع اجتماعی، در حوزه حاکمیت قرار می‌گیرند، در صورت ورود خسارت ناشی از اقدامات آنان با تمسک به ماده ۱۱ قانون مسئولیت، آنان را از مسئولیت بری و حدوث مسئولیت مدنی را غیرقابل تصور می‌دانند. (سامانی، ۱۴۰۰، ۹۱). هر چند که عده‌ای دیگر از اندیشمندان دیدگاه‌های متفاوتی داشته و با تکیه بر قوانین موضوعه موجود، مسئولیت مدنی نیروهای مسلح را قابل تصور و تابع قواعد کلی حقوق مسئولیت مدنی و در مواردی تابع قوانین خاص در حوزه نیروهای مسلح می‌دانند. بر اساس دیدگاه حاکمیتی هر کاری که دولت و سازمان‌های وابسته - از جمله نیروهای مسلح - انجام می‌دهند، پسندیده و صواب بوده و اگر زیانی نیز از این رهگذر بر افراد وارد می‌شود به لحاظ منفعی که از اعمال دولت عاید عموم می‌شود، قابل جبران نبوده و به عبارتی، این اصل را از نتایج منطقی اصول حاکمیت دولت می‌دانستند. (ابوالحمد، ۱۳۵۴، ۴۱۰).

واکاوی و ارزیابی مفهوم اعمال حاکمیت و تصدی در ادبیات بین‌الملل

بدون تردید نظریه تقسیم اعمال دولت و سازمان‌های وابسته به حاکمیت و تصدی که در موضوعاتی چون مسئولیت مدنی، شکل و ساختار حقوقی دستگاه‌های دولتی و رژیم حقوقی حاکم بر موسسات عمومی و... تأثیر ویژه‌ای داشته، در نظام‌های حقوقی کشورها نیز نقش بسزایی داشته است که به لحاظ نبود تعاریف دقیق، جامع و منسجم در قوانین و مشخص نبودن مصادیق شفاف و صریح باعث ایجاد سردرگمی و مشکلاتی شده و در مواردی نیز باعث ایجاد تشنگت و اختلاف رویه در محاکم قضایی شده است. (فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ۱۵۴). بنابراین می‌تواند با تفسیرهای منطقی و استنباط‌های حقوقی و رویه‌های موجود، مفاهیم اعمال حاکمیت و تصدی، به درستی تبیین و مورد ارزیابی قرار گیرد.

آنچه مسلم است اعمال تصدی و اعمال حاکمیت اولین بار توسط حقوق دانان فرانسوی از جمله هانری دو پانزی^۱ و لافریر^۲ مطرح و از آن طریق وارد ادبیات حقوقی کشور ما شده است. برتملی^۳ در تبیین مفاهیم تصدی و حاکمیت معتقد است دولت دو جنبه مختلف دارد، از طرفی دارای شخصیت حقوقی است و بدین لحاظ وضع حقوقی او نظیر سایر شخصیت‌ها است و از طرف دیگر قوه حاکمه جامعه است و بر طبق اختیارات قانونی خویش اعمال حاکمیت می‌کند و اعمال حقوقی انجام می‌دهد که نظیری در حقوق خصوصی ندارد. (یزدانیان، ۱۳۹۴، ۵۱۱). شایان ذکر این که در قوانین موضوعه ما تعاریف واحد، دقیق، منسجم و جامعی از مفاهیم تصدی و حاکمیت به عمل نیامده و در منابع متفرقه، تعاریف و دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۷۶ با بیان مصادیقی حصری از امور حاکمیتی آن را چنین تعریف کرده است: «امور حاکمیتی آن دسته از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل اقشار جامعه گردیده است و بهره‌مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود.»

شرایط و ضوابط مسئولیت مدنی ناشی از اعمال حاکمیت از نظر حقوقی و رویکرد مقنن

برابر سوابق قانون‌گذاری، برای نخستین بار در قانون دعاوی دولت و افراد مصوب ۱۳۰۷ به تبیین و تعریف عمل تصدی دولت پرداخت شده که با توجه به نسخ قانون ذکر شده، با تصویب ماده ۱۰ قانون راجع به دعاوی اشخاص و دولت مصوب ۱۳۰۹، مقنن در اقدامی تأمل برانگیز با تصویب قانون مسئولیت مدنی به مصونیت دولت از پرداخت خسارت ناشی از اعمال حاکمیت صحه گذاشت. (سامانی، ۱۴۰۰، ۹۱). ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به‌عنوان قاعده عام حاکم بر نحوه احراز مسئولیت مدنی

1. Henrion de pensey

2. la ferrie're

3 bertelmy

کارکنان دولت، در مقام ایفای وظایف اداری و قانونی آنها عنوان کرده است: «کارکنان دولت و سازمان‌های زیر مجموعه در صورتی که عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی در عمل به وظایف قانونی خود خسارتی را به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت هستند لیکن در موارد ذیل مبری از مسئولیت می‌باشند.

الف) هرگاه خسارات وارده مستند به فعل آنان نباشد.

ب) خسارات وارده ناشی از نقص وسایل اداره یا موسسه مربوطه باشد که در موارد مذکور مسئولیت، متوجه اداره یا موسسه می‌باشد. اما مقنن شق سومی را از حیث مسئولیت نداشتن برای سازمان و نیز وابستگان آن فرض کرده و آن این که خسارات وارده با جمع شرایط زیر واقع شده باشد:

۱- ناشی از اقدام برای تأمین منافع اجتماعی باشد.

۲- طبق قانون واقع شده باشد.

۳- ضرورت برای این اقدام وجود داشته باشد.

۴- از امور حاکمیتی باشد.

آنچه مسلم است در قانون مسئولیت مدنی به صراحت بر اختیار دولت در جبران خسارت در صورت ورود ضرر از ناحیه دولت و سازمان‌های وابسته در مقام اعمال حاکمیت تأکید شده، لیکن اصول ۴۰ و ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۲۴ قانون توسعه اجتماعی مصوب ۱۳۷۹، نظریات فقهی از جمله نظریه فقهای شورای نگهبان در سال ۱۳۸۶ مبنی بر بی اعتباری بند دوم ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱ و قوانین مهمی مانند قانون نحوه تملک اراضی و املاک برای اجرای طرح‌های عمومی، موادی از قانون مجازات اسلامی، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، قانون بکارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح در موارد ضروری، رویه محاکم قضایی، خاصه دیوان عدالت اداری در پرونده‌های مطروحه و... به روشنی بیانگر آن است که به جهت تفسیرهای متفاوت از مفاهیم تصدی و حاکمیت، در خصوص مسئولیت مدنی دولت و

نیروهای مسلح تبعیض و مصونیتی نسبت به شهروندان وجود نداشته و اکثر حقوق‌دانان عقیده بر مصونیت محدود دولت در این خصوص می‌باشند. (صالحی مازندرانی، ۱۳۹۹، ۱۸۵). با توجه به اوصاف یادشده و با لحاظ تعریف قانونی از مفاهیم تصدی و حاکمیت، تمامی اقدامات نیروهای مسلح از مصادیق اعمال حاکمیت می‌باشد، اما نکته تأمل برانگیز این که مقنن در موارد متعدد، در قوانین خاص و پراکنده، به‌رغم حاکمیتی بودن اقدامات نیروهای مسلح، از عدم مسئولیت مدنی آنها منصرف و با تخصیص فراز اخیر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، سازمان‌های متبوعه را مسئول جبران خسارت وارده دانسته که عبارتند از:

- مواد ۱۳ و ۱۴ قانون بکارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳؛

- ماده ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛

- ماده واحده قانون جبران خسارت وارده از انفجار مرئیات یا مهمات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۵۶/۳/۷؛

- ماده ۵ قانون تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور مصوب ۱۳۶۵،

- ماده ۴۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲.

جایگاه مسئولیت مدنی نیروهای مسلح در نظام حقوقی کشور ترکیه

مفهوم مسئولیت مدنی در کشور ترکیه عبارت است از مجموعه قواعد و مقرراتی که عامل زیان را ملزم به جبران خسارات وارده بر اشخاص می‌داند. بر این اساس هیچ خسارتی نباید جبران نشده باقی بماند مگر در مواردی که قانون اجازه داده و تجویز می‌نماید. ارکان مسئولیت مدنی در قوانین کشور ترکیه، همانند کشور ایران عبارتند از:

- ۱- عنصر رفتار، ۲- ضرر و زیان (مادی و معنوی) و ۳- رابطه علی و معلولی (ارن^۱، ۲۰۰۸، ۵۰۳). به تصریح ماده ۴۹ از قسمت دوم قانون تعهدات ترکیه ذیل عنوان روابط

^۱. Eren

ناشی از افعال شبه جرم محدوده تعریف فعل زیانبار تبیین و تشریح شده و مسئولیت ناشی از ارتکاب این افعال یا اعمال زیانبار نیز مشخص شده است. عمده ترین اهداف مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ترکیه عبارت است از جلب رضایت زیان دیده، جبران خسارت و اعاده وضع پیشین به نحوی که زیان دیده خسارات خود را جبران شده ببیند. در بررسی قوانین موضوعه ترکیه، خاصه نگرش در مواد ۴۱ و ۴۹ قانون تعهدات ترکیه، مقرراتی در خصوص تقصیر به عنوان عامل عمومی مسئولیت پیش‌بینی شده است. بر اساس همین قانون هر شخصی که در نتیجه ارتکاب فعل قصورآمیز یا خلاف قانون به شخص دیگری هر نوع خسارت وارد نماید نسبت به جبران کامل این خسارت متعهد می‌باشد. (قربانی، ۱۳۹۶، ۱۲۶) اسباب و عوامل ایجاد کننده مسئولیت در حقوق ترکیه عبارتند از:

قصور: مستنبط از ماده ۴۹ قانون تعهدات ترکیه، قصور یکی از مهم ترین اسباب ایجاد کننده مسئولیت مدنی محسوب می‌شود. هر شخصی که با رفتار یا افعال توأم با تقصیر خساراتی را به اشخاص وارد نماید مجبور به جبران خسارات وارده خواهد بود.

قرارداد: یکی دیگر از اسباب ایجاد کننده مسئولیت بوده و افراد می‌توانند جبران خسارات احتمالی اشخاص دیگر را بر عهده بگیرند. در اینجا فردی که خود را مسئول جبران خسارات طرف دیگر قرار می‌دهد، مرتکب فعل یا رفتار قصورآمیز نشده است. به عنوان مثال در قراردادهای بیمه، در صورت بروز هر گونه خسارت موضوع بیمه نامه، جبران خسارت بر عهده بیمه گر خواهد بود.

قانون: در مواردی نیز قانون یا هر حکم قانونی می‌تواند از اسباب ایجاد کننده مسئولیت محسوب گردد. در چنین مواردی نیاز به اثبات قصور یا وجود قرارداد نبوده و فرد در هر حال خسارت وارده را جبران می‌کند. به عبارتی در ترکیه در مسئولیت‌های ناشی از عدم تقصیر، خاصه در مسئولیت ریسک (خطر)، مسئولیت مراقبت، اسباب ایجاد کننده

مسئولیت نه قرارداد تعهدآور است و نه قصور، بلکه حکم قانونی است. (اوزیر^۱، ۲۰۸۸، ۱۹۷). در حقوق ترکیه از حیث مبانی مسئولیت مدنی نیروهای مسلح، ضمن پیروی از نظریات تقصیر و خطر، نظریه دیگری با عنوان «مسئولیت ناشی از مداخله مجاز یا قانونی» در بین حقوق دانان جایگاه ویژه‌ای داشته و نظام حقوقی در این گونه موارد ضمن اجازه دادن به مداخله قانونی، حین بروز چالش و تعارض بین دو ارزش حقوقی مورد بحث به یکی از آن دو رجحان و برتری می‌دهد و با هدف جلوگیری از خسارت بزرگ‌تر به شکل فدا کردن حق قانونی دارای سطح ارزشی پایین‌تر، بروز و ظهور پیدا می‌کند، مثل مداخلات ناشی از روابط همسایگی و یا حالت ضرورت به نظر می‌رسد در مواردی اقدامات نیروهای مسلح کشور ترکیه در باب مسئولیت مدنی نیز با این نظریه قابل توجیه بوده ولی در هر حال خسارت وارده به اشخاص جبران خواهد شد. (ارون، ۲۰۰۸، ۵۲۳). از طرفی با پذیرش اصل تساوی در برابر خدمات عمومی، اگر خدمات و فعالیت‌های انجام شده توسط دولت و سازمان‌های وابسته (نیروهای مسلح و ...) با ایده‌ی منافع عمومی صورت پذیرفته و در این راستا خساراتی به اشخاص وارد آید، در فرض عدم خطای اداری، باید خسارات وارده از سوی دولت تضمین شود. به عبارتی در صورت ورود حادثه‌ی زیانبار از سوی مأمورین نیروهای مسلح، چنانچه نقصی در وسیله و یا سیستم اداری وجود نداشته و مأمور نیز مرتکب تقصیری نشده باشد، اما در عین حال مأمور موصوف در حین انجام وظیفه سازمانی (خدمت عمومی) برای دولت که ناشی از وظیفه قانونی بوده، آسیب‌دیده یا خساراتی به اشخاص وارد آورده، با این تفسیر که مسئولیت ریسک مبتنی بر ضرر و زیان ناشی از خدمات بوده و بین عمل مرتکب و ضرر معمول، پیوند علی و معلولی مستقیم وجود دارد، دولت مکلف به جبران خسارات می‌باشد، چرا که ضرر وارده نه تنها روی آسیب‌دیدگان بلکه به شکل غیرمستقیم و در واقع امر به کل جامعه تسری پیدا می‌کند. (gözübüyük, 2015, 224). در واقع این

^۱. Ozer

بخشی از نظام حقوقی ترکیه کاملاً انطباق با بخش جبران خسارات مأموران و افراد محقون الدم در قانون بکارگیری سلاح ایران دارد. اما راجع به مسئولیت مدنی دولت و نیروهای مسلح در قوانین ترکیه مستنبط از مواد ۴۹، ۱۲۵، ۴۰ و ۱۲۹ قانون اساسی ماده ۶۵۷ قانون مأمورین دولتی و مواد ۴۹ تا ۵۹ قانون تعهدات ترکیه و سایر قوانین پراکنده و متفرقه، مسئولیت مدنی ناشی از اقدامات مأمورین دولتی مبتنی بر قواعد عام مسئولیت مدنی است. قانون اساسی ترکیه ضررهای وارده به افراد توسط مأمورین دولت در حین انجام وظیفه را که بر اساس مقررات صورت گرفته قابل جبران از سوی دولت می‌داند. (deliveli, 2016, 231).

نظام حقوقی کشور ترکیه از طرفی با تقسیم‌بندی اعمال دولت به «مسئولیت ناقص و معیوب» و «مسئولیت کامل دولت» در صورت وجود نقص در خدمات، از قبیل نقص در عملکردها، آموزش‌ها، ناکافی بودن مهارت‌ها و الزامات خدمات، عدم رعایت مقررات و نظامات و...^۱ دولت را ملزم به جبران خسارات دانسته است. از طرفی دیگر با تکیه بر نظریات خطر و ریسک اجتماعی (حتی در صورت اقدامات بی‌عیب و نقص دولت) و با پذیرش اصل مسئولیت کامل دولت، با تحقق شرایط قانونی، دولت را مسؤول جبران خسارات می‌داند. (yildirim, 2010, 136). علاوه بر موارد مذکور، دو دیدگاه در نظام حقوقی ترکیه بین حقوقدانان در خصوص خطای مأموران نیروهای مسلح وجود دارد که عبارتند از:

خطای شخصی مأمور نیروهای مسلح و خطای اداری ناشی از عملکرد سازمان نیروهای مسلح

خطای اداری ممکن است توسط مأموری واحد و مشخص ارتکاب یابد یا اینکه خطا مرتکب مشخصی نداشته باشد و ناشی از بی‌نظمی دستگاه اداری باشد. قانونگذار کشور

۱. در قانون بکارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح در موارد ضروری در ایران نیز یکی از شاخصه‌های مسئولیت داشتن مأموران در موارد بکارگیری سلاح که منتهی به خسارت به افراد محقون الدم می‌شود، ضرورت آموزش دیدن و تسلط و اشراف داشتن به نحوه کارکرد سلاحی است که در مأموریت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ما در عمل در قبال این عملکرد نهادهای دولتی سکوت اختیار کرده و هیچ‌گونه ضمانت اجرایی در قبال این عملکرد وجود ندارد. با این حال اگر خطای مورد نظر انسانی از ضعف‌ها و بی‌احتیاطی‌هایش نشأت گرفته باشد خطای شخصی تلقی، لیکن اگر عمل مأمور توأم با خطای کاری و صنفی او باشد، خطا اداری محسوب می‌شود. (یزدانیان، ۱۳۹۴، ۵۱۲).

خطای شخصی مأمور و خطای اداری (مفروض) ناشی از عملکرد سازمان نیروهای مسلح:

رویه قضائی برخی از کشورها از جمله فرانسه این دیدگاه را پذیرفته است که در مواردی که مأمور مرتکب خطای شخصی می‌شود، باید خطای اداری را نیز مفروض دانست. به عبارتی در مرحله‌ای که خطای شخصی مأمور خطای اداری دولت نیز تلقی می‌شد حقوق فرانسه با اجتماع مسئولیت روبرو بود، اما برای اینکه اجتماع دو مسئولیت مأمور و دستگاه اداری با مبانی مسئولیت مدنی مطابقت داشته باشد، در حالتی که خطای شخصی مأمور سبب منحصراً حادثه زیانبار است، خطای فرضی دیگر نیز به دولت منسوب می‌شد تا توجه‌گر تأسیس اجتماع مسئولیت‌ها باشد. به‌عنوان مثال اگر فردی به سبب تیراندازی یک مأمور نیروهای مسلح که با ترک غیرقانونی و برخلاف ضوابط محل خدمتش (ترک پست)، اسلحه سازمانی را با خود همراه برده، به قتل برسد. فعل منظور علاوه بر انتساب به خطای شخصی مأمور موصوف، به نقص تعهد به مواظبت و مراقبت دولت که احتمالاً ناشی از بی‌نظمی دستگاه اداری است، نیز منسوب می‌شود. برخی نظام‌های حقوقی دنیا (کشورهای آلمان، فرانسه و ترکیه) در فرض ارتباط خطای شخصی مأمور با خدمات عمومی، حتی بدون توجه به مؤثر بودن خطای شخصی و بدون وسواس زیاد در احراز رابطه علیت، دعاوی مسئولیت مدنی علیه دولت را به گونه گسترده‌ای مورد پذیرش قرار داده‌اند. (عوضی‌نژاد، ۱۳۹۷، ۱۴).

بحث و نتیجه گیری

مسئولیت مدنی نیروهای مسلح - به عنوان بخشی از سازمان دولت - در قبال اشخاص حقیقی و حقوقی، اعم از شهروندان، نهادهای حقوقی غیردولتی و نهادهای عمومی دولتی، حوزه‌ای از مباحث مسئولیت در قانون و منابع معتبر فقهی محسوب می‌شود. آنچه مسلم است امروزه فعالیت‌ها و اقدامات دولت، خاصه نیروهای مسلح، با اقتضای تبعات خطر آفرین به لحاظ طبع قهری و مقتدرانه وظایف نیروهای مسلح و تنوع و گستردگی مأموریت و شرح وظایف ذاتی آن که بعضاً موجبات ایراد خسارت و ضرر به اموال و می‌شود و حتی بعضاً نمودی از این خسارات به صورت معنوی و غیرمحسوس بوده و به لحاظ رسالت عظیم و خطیر این نهاد مردمی در تأمین نظم و آسایش عمومی که، مقابله با تهدیدات علیه استقلال و تمامیت ارضی کشور و حفظ منافع و دستاوردهای انقلاب می‌باشد، دایره‌ی فراگیری مسئولیت مدنی این نیروها را گسترش داده است. با قبول این که اقتدار دولت‌ها در گرو اقتدار نیروهای مسلح است، ضرورت شناخت دقیق ماهیت دولت و به تبع آن سازمان‌های وابسته، خاصه نیروهای مسلح احساس می‌شود زیرا از جهتی تابع مقررات عام مسئولیت مدنی بوده و از جهاتی با وضع قوانین و بعضاً آیین‌نامه‌های داخلی خود را از قیود و شروط حاکم بر قانون مسئولیت مدنی رها ساخته است.

در قوانین موضوعه ایران، راجع به مسئولیت مدنی دولت و اعمال حاکمیت، اولین بار در ماده واحده قانون تعیین مراجع دعاوی بین افراد و دولت (۱۳۰۷) به نظریه اعمال حاکمیت استناد شده که بعداً با تصویب قانون راجع به دعاوی بین اشخاص و دولت (۱۳۰۹) نسخ شده و در نهایت با تصویب قانون مسئولیت مدنی به طور بی سابقه‌ای بر عدم مسئولیت مدنی دولت و سازمان‌های وابسته در مقام اعمال حاکمیت بدون ارائه تعریفی جامع و منسجم و با شرایطی از مانند تأمین منافع اجتماعی و احساس ضرورت برحسب قانون و حاکمیتی بودن رفتارهای منظور تصریح شده است. با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران به استناد قوانینی چون اصل ۱۷۱ قانون اساسی، قانون بکارگیری

سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری و... مسئولیت مدنی دولت و نیروهای مسلح در جبران زیان وارد به اشخاص در موارد اعمال حاکمیت، تحت شرایطی پذیرفته شده، لیکن امروزه دیدگاه اعمال حاکمیت و تصدی با توجه به نقدهای وارده بر آن حتی در کشور فرانسه نیز که خاستگاه این نظریه بوده، میان حقوقدانان مورد پذیرش نبوده، از نظر فقهی نیز روایات متعدد دلالت بر مسئولیت دولت در برابر خسارات ناشی از اعمال حاکمیت دارند و در محاکم قضایی نیز شاهد اختلاف نظریات و تشتت آراء در این حوزه هستیم.

در حوزه‌ی مسئولیت مدنی نیروهای مسلح، در قوانین ترکیه علی‌رغم سکوت قانون راجع به عملکرد حاکمیتی نیروهای مسلح، مسئولیت مدنی ناشی از اقدامات مأمورین دولتی عموماً مبتنی بر قواعد عام مسئولیت مدنی است، اما در قوانین کشورمان به تعریفی که مقنن از اعمال حاکمیت به عمل آورده، به لحاظ وسعت شمول آن که دامنه وسیعتری از تکالیف و وظایف کارکنان دولت، خاصه نیروهای مسلح را در بر گرفته و این که مفهوم حاکمیت در نظام حقوقی ایران به‌عنوان معیاری ماهوی در نظر گرفته شده و با عنایت به تنوع و گستردگی مأموریت‌ها و شرح وظایف ذاتی و قانونی تعریف شده برای نیروهای مسلح و این که عمده اقدامات نیروهای مسلح به جهت این که غالباً در تأمین منافع اجتماعی بوده، در حوزه اعمال حاکمیت قرار می‌گیرند که در صورت ورود ضرر و خسارت ناشی از اقدامات آنان، مطابق فراز اخیر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مبری از مسئولیت خواهند بود، از طرفی راجع به مسئولیت مدنی دولت در قوانین ترکیه به استناد مواد ۴۰، ۱۲۵ و ۱۲۹ قانون اساسی و ماده ۶۵۷ قانون مأمورین دولتی و مواد ۴۹ تا ۵۹ قانون تعهدات ترکیه، ضررهای وارده به افراد توسط مأمورین دولت در حین انجام وظیفه و مطابق با قانون، قابل جبران از سوی دولت تلقی شده و عرف قضایی معمول نیز با تکیه بر اصول خطر و ریسک اجتماعی (حتی در صورت اقدامات بی‌عیب و نقص دولت) بر اساس قاعده کلی «مسئولیت کامل دولت» با تحقق شرایط قانونی، در

همه حال دولت را مسئول جبران خسارات معرفی کرده است. به نظر نگارنده، قوانین خاص و پراکنده موجود در حوزه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مانند قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، قانون تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور، قانون جبران خسارات وارده از انفجار مرمیات یا مهمات نیروهای مسلح، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و ... با انصراف از قواعد عام مسئولیت مدنی، در موارد متعددی بر جبران خسارات وارده از سوی نیروهای مسلح صحه گذاشته، گرچه پاره‌ای از خلأهای موجود به وسیله آیین‌نامه و مصوبات داخلی غیر تقنینی تا حدودی جبران شده که به لحاظ رعایت اصل محرمانه بودن اطلاعات در نیروهای مسلح، کم و کیف و حدود مسئولیت مدنی نیروهای مسلح در این زمینه ابهام برانگیز بوده، انتظار دارد با ارائه تعاریفی جامع، دقیق و منسجم از اعمال تصدی و حاکمیت خاصه راجع به اقدامات قهری و مخاطره‌آمیز نیروهای مسلح در مأموریت‌های سازمانی با ابهام‌زدایی از قوانین موجود و ارائه قوانین شفاف، صریح و اختصاصی - آن گونه که در حوزه جزایی و کیفری به طور مستقل به آن‌ها پرداخته شده - در جهت جبران خساراتی که در این راستا به اشخاص تحمیل می‌شود، گام برداشت.

سپاسگزاری

در پایان لازم است از زحمات اساتید محترم دانشگاه آزاد اسلامی استان اردبیل با نظرات سازنده خود به غنای این تحقیق افزودند کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم و از درگاه ایزد منان برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در سایه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) آرزوی سربلندی نمایم.

منابع

۱. ابوالحمد، عبدالحمید، (۱۳۵۴). حقوق اداری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۲. امامی، محمد، استوار سنگی، کورش. (۱۳۹۰)، حقوق اداری، انتشارات میزان، چاپ

۳. بهرامی نژاد، علی. (۱۳۹۵). مسئولیت مدنی نیروهای مسلح در نقض حقوق افراد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، قابل بازیابی از: elmnet.ir/article/10970037_84294/
۴. بهرامی، حمید. (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی، تهران، بنیاد حقوقی میزان
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۶۳). ترمینولوژی حقوق، تهران، بنیاد استاد.
۶. جلالیان، عسگر. (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال حاکمیتی نیروهای مسلح و اعمال نظامی، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهانی در مطالعات اجتماعی و اداری، قابل بازیابی از: civilica.com/doc/823236
۷. حسینی نژاد، حسینقلی. (۱۳۷۷). حقوق مسئولیت مدنی، نشر مجمع علمی و فرهنگی مجلد.
۸. خوئینی، غفور؛ بیرانوند، رضا. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی تقصیر زیان دیده در رفع مسئولیت مدنی پلیس، نشریه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۱۷(۶۹)، ۱۴۷-۱۶۹ قابل بازیابی از: pok.jrl.police.ir/article_114030.html.
۹. خواجه پیری، عباس. (۱۳۸۰). موجبات مسئولیت مدنی و آثار آن، انتشارات المهدی.
۱۰. رستمی، محمود. (۱۳۷۸). فرهنگ واژه‌های نظامی، تهران، انتشارات دانش، چاپ اول.
۱۱. سامانی، احسان. (۱۴۰۰). تحلیل فقهی حقوقی مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال زیانبار حاکمیتی در قبال شهروندان، فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۳(۶)، ۸۶-۹۶ قابل بازیابی از: sid.ir/paper/412539/fa#download.
۱۲. شمس، محمد ابراهیم؛ کاکرودی صفری، عابدین (۱۳۹۱) مسئولیت ماموران پلیس در پرتو قاعده ضرورت، نشریه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۱۴(۳)، ص ۸۱-۱۲۵ قابل بازیابی از: pok.jrl.police.ir/article_97158.html.
۱۳. صالحی مازندرانی، محمد. (۱۳۹۹). مسئولیت یا مصونیت دولت در قبال اعمال زیانبار حاکمیتی، دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش حقوق مدنی، ۹ (۱۸)، ۱۷۹-۱۹۰، قابل بازیابی از: clk.journals.pnu.ac.ir/article_8479.html.
۱۴. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۹۰). حقوق اداری، انتشارات سمت، چاپ هفدهم.

۱۵. عبدالهی، افشین. (۱۳۹۸). امکان اعمال ضمانت اجراهای کیفری در مورد اشخاص حقوق عمومی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۷(۲۶)، ۲۵۱-۲۸۴، قابل بازیابی از: jclr.atu.ac.ir/article_9624.html.
۱۶. غمامی، مجید. (۱۳۷۶). مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، تهران، نشر دادگستر
۱۷. فلاح زاده، علی محمد؛ حسن زاده، سیدمحمدتقی. (۱۳۹۹). قانون اساسی ترکیه بعد از فراندوم ۲۰۱۷، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، ۴۲، ۶۲-۷۴ قابل بازیابی از: pir.shahreza.iau.ir/article_674186_bf0c90
۱۸. قاسم زاده، مرتضی. (۱۳۸۸). الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرار داد، چاپ هشتم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۱۹. قربانی، رعنا. (۱۳۹۶). بررسی شیوه‌های جبران خسارت و الزامات خارج از قرارداد در حقوق ایران و ترکیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد ماکو.
۲۰. کمالی، یحیی؛ میرزایی، جلال. (۱۳۹۶). مقایسه جایگاه و ساختار نیروهای مسلح در مدیریت بحران در ایران، ژاپن، هند و ترکیه، ویژه‌نامه محیط زیست و جامعه، ۷(۲۵)، ۲۴۵-۲۸۹ قابل بازیابی از: sspp.iranjournals.ir/article_29735.html
۲۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴)، حقوق مدنی، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۶۹). حقوق مدنی، ضمان قهری مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. مجموعه نشست‌های قضایی، (۱۳۸۶)، اداره کل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، جلد اول، چاپ اول، انتشارات فکر سازان.
۲۴. هوشمند فیروزآبادی، حسین. (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی دولت در قبال رفتار زیانبار حاکمیتی، فصلنامه حکومت اسلامی، ۲(۹۶)، ۱۴۱-۱۶۹، قابل بازیابی از: ensani.ir/fa/article/445662

۲۵. هاشمی، سیدمحمد؛ عباسلو، بختیار؛ سوادکوهی، سام. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی فعل زیانبار پلیس در تحقق مسئولیت مدنی پلیس ناشی از نقض حقوق شهروندی در حقوق ایران و کامن‌لا، نشریه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۲۳(۹۰)، ۲۳۹-۲۶۹ قابل بازیابی از: pok.jrl.police.ir/article_96797.html.

۲۶. یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۴) گام‌هایی در طرح مسئولیت مدنی دولت ناشی از فعل شخصی، فعل اشیاء و فعل غیر در حقوق ایران و فرانسه و ترکیه، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۳(۴۵)، ۵۰۵-۵۲۳، قابل بازیابی از:

noormags.ir/view/fa/article_page/1108545.

27. Türkiye. (2011), Cumhuriyet anayas.

28. Eren. F. borçlar Hüküğü. (2008), Genel Hukuklar. Istanbul.

29. Yılmaz. Süleyman. (2011), değişikliklerle Türk medeni ve Türk borçlar kanünü. clit2 . Istanbul.

30. Ozer. Mustafa. (2001), haksiz fillerden, doğan. borç ilişkileri.

